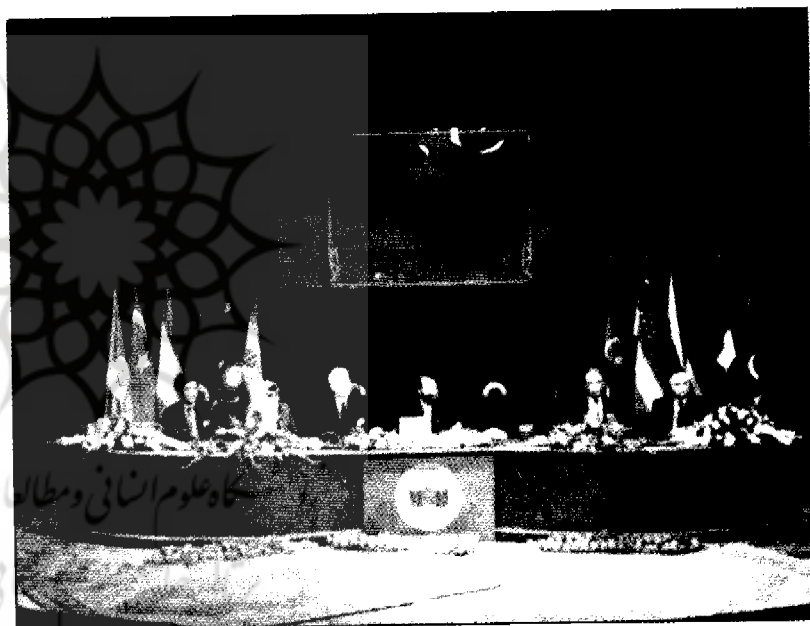


ایران‌شناسی در آسیای مرکزی

گزارشی از نخستین گردهمایی استادان
ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی
کشورهای مشترک المنافع و قفقاز

در نخستین روز گردهمایی، پس از تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید آقای علیرضا معیری، معاون رییس جمهور، متن پیام آقای هاشمی رفسنجانی را قرائت نمودند. رییس جمهور ضمن ابراز خرسندی و خوشوقتی از اینکه جمع کثیری از نمایندگان فرهنگ و تمدن ایران به منظور تبادل آراء و افکار در باب مدنیت و تمدن ایرانی از کشورهای مشترک المنافع و قفقاز در خانه خود گرد هم آمده‌اند، در بخشی از پیام خویش گفتند: «توجه به فرهنگ و تمدن ایرانی و میدان دادن به بخشی از فرهنگ این کشورها که ویژگی ایرانی دارد، نوعی ادای دین به فرهنگی است که در شالوده فرهنگی - تاریخی این کشورها سهیم است. مروجان فرهنگ ایرانی در این حوزه جغرافیایی، استادان حاضر در مجلس هستند که با برجستگیها و توانمندیهای این مقوله آشنا هستند و موظفند که با بسط این مبانی زمینه مناسبی جهت بازوری فرهنگی فراهم آورند.

ایران کهنسال شاهد فراز و فرودهای تاریخی بسیار بوده و حوادث بسیار از سر گذرانده است. نویسندگان تاریخ و محققان فرهنگ ایران که به شکل ملموس با این پدیده سر و کار داشته‌اند، باید این حماسه‌های فرهنگی - تاریخی را تدوین نمایند و در دسترس نسل جدید بگذارند تا آنان با گذشته خود آشنا شوند.»





شناسان و استادان زبان و ادبیات فارسی این کشورها به تبادل فکر و انتقال تجربه بپردازند. در همین راستا به همت شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی گردهمایی استادان ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز از پانزدهم تا هیجدهم بهمن ماه در تهران برگزار شد.

نزدیک به دو قرن است که تبعات ایران‌شناسی در کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز شکل گرفته است، و این تقریباً معادل عمر تحقیقات فرهنگی به شیوه علمی جدید است.

پس از آقای لاریجانی، آقای علی‌اصغر شپردوست مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر کنگره، متن سخنرانی خود را قرائت نمود. وی مهمترین انگیزه این گردهمایی را رفع گسیختگی و عدم ارتباط بین ایران و این کشورها دانست. سپس به شرح برنامه‌های کنفرانس پرداخت. وی درباره انتخاب استادان میهمان این چنین گفت: «استادان حاضر بر مبنای صلاح دید هیئتهای علمی دانشگاهی در ایران، پیشنهاد مراکز علمی، آکادمیها و دانشگاههای کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز و نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده‌اند. در این انتخاب ملاحظات علمی در نظر گرفته شده و سعی گردیده حتی‌الامکان برجسته‌ترین استادان در زمینه‌های پیش یاد شده دعوت شوند».



در دومین روز برگزاری گردهمایی، استادان ایران‌شناس و زبان و ادبیات فارسی با مقام ریاست جمهوری دیدار به عمل آوردند. در این دیدار آقای هاشمی رفسنجانی از اسلام، زبان و ادبیات فارسی، و تمدن و فرهنگ به عنوان عوامل مهم پیوند تاریخی و سرنوشت‌ساز بین کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و ایران نام بردند و تأکید کردند که محققان و دانشمندان این کشورها باید با تبادل نظر و اطلاعات علمی برای نزدیکتر کردن ملتها و

همچنین در نخستین روز گردهمایی، آقای دکتر لاریجانی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و رییس شورای گسترش زبان فارسی به ایراد سخن پرداختند. دکتر لاریجانی این گردهمایی را یک واقعه مهم فرهنگی خواند. وی در بخشی از سخنان خود گفت: «همگرایی فرهنگی در حوزه جمهوریهای تازه استقلال یافته شوروی سابق موجب شده که فرهنگ دوستان و دانشوران ایرانی بتوانند آسانتر به مظاهر فرهنگی که به نوعی با فرهنگ و تمدن ایرانی سر و کار دارد، دسترسی پیدا کنند و این امر از جهاتی می‌تواند، طلیعه فصل جدیدی از مناسبات فرهنگی دانشوران ایرانی با اهل فرهنگ این کشورها محسوب شود.

نیاز سیاسی اروپاییان به شناخت فرهنگ و تمدن مشرق زمین سبب گردید که از حدود سه قرن پیش دانش خاورشناسی و به ویژه ایران‌شناسی به عنوان رشته‌ای علمی متولد شود.

از سویی با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تحولاتی که در منطقه گسترده آسیای مرکزی و قفقاز رخ داد، اهمیت مطالعات مربوط به تاریخ و تمدن فرهنگ و ادبیات ایران بیش از پیش آشکار شد.

مطالعات ایران‌شناسی در کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به علت بهره‌وری این کشورها از فرهنگ و تمدن غنی اسلامی و ایرانی و زبان و ادبیات فارسی، در حقیقت مفهوم خودشناسی دارد و این ویژگی، ایران‌شناسی کنونی را از ایران‌شناسی کهن متمایز می‌سازد.

گفتنی است که ضرورت تبادل اندیشه‌ها و انتقال تجربیات و بهره‌مندی ایران‌شناسان از روشهای صحیح علمی، گردهمایی ایران‌شناسی کشورهای منطقه را ایجاب نمود و حضور استادان ایران‌شناس و زبان و ادبیات فارسی کشورهای مشترک المنافع و قفقاز به منظور تحقق همین هدف بود و نیز فرصت مغتنمی بود که ایران -



ایجاد جو همکاری و دوستی گسترده‌تر تلاش کنند.

در روز دوم گردهمایی آقایان دکتر هاشمی گلپایگانی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، استاد سید جعفر شهیدی و دکتر رجب امان اف سخنان مبسوطی را ایراد کردند. دکتر رجب امان اف به تشریح ادبیات کودکان در تاجیکستان و مقایسه آن با ادبیات کودکان در ایران پرداخت.

آخرین برنامه از جلسه دوم گردهمایی، میزگرد علمی بود که با شرکت پروفیسور عسگر حکیم، پروفیسور روبنچیک، پروفیسور نیکلا دزه، پروفیسور پاولیچکا، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر علی رواقی و علی موسوی گرمارودی برگزار شد. موضوع میزگرد «بررسی شعر و نثر فارسی» بود که اساتید مدعو به تفصیل دربارهٔ محورهای مختلف این موضوع به بحث و تبادل نظر پرداختند.

دکتر حاکمی استاد دانشگاه تهران که ریاست اداره میزگرد را بر عهده داشت، در بخشی از سخنان خود گفت: «همان طور که حضار دانشمند آگاهی دارند، عواملی موجب شد که در یک قرن گذشته تحول و دگرگونی عمیقی در شیوه شعر و نثر پارسی به وجود بیاید. این دگرگونی از اواخر دوره قاجاریه شروع شد و در دوره انقلاب مشروطیت شتاب بیشتری یافت. در آن دوره همان گونه که مبارزان در سنگر آزادی با حکومت استبدادی وقت مبارزه می‌کردند. شاعران و نویسندگان عصر مشروطیت با قلم و زبان آتشین خود جان تازه‌ای به مشروطه می‌دمیدند و در پیشبرد اهداف آزادیخواهان سهم مهمی داشتند.»

گفتنی است که استادان دیگر نیز به تبادل نظر و بحث در خصوص موضوع میزگرد پرداختند و در پایان به سوالات حاضران پاسخ گفتند.

سومین روز گردهمایی استادان ایران‌شناس و زبان و ادبیات فارسی با سخنرانی خانم پروفیسور تهمنه رستم اوا از

کشور آذربایجان آغاز شد. وی در بخشی از سخنان خود گفت: «دانستن زبان فارسی برای مردم کشور آذربایجان ضرورت دارد. باید به این نکته توجه داشت که نیاز مردم آذربایجان به آموختن زبان فارسی مصلحت سیاسی نیست، بلکه از جهت آشنایی با ثروت معنوی خودمان است. این ثروت معنوی در طی ۸۰۰ سال از سوی نیاکان مردم آذربایجان جمع شده و مانند گنجینه‌ای که در آن قفل است، به دست ما رسیده است. وظیفه ما پیدا کردن کلید آن و وارد شدن به آن خزانه معنویات است.»

سخنران بعدی شاعره نامدار تاجیک خانم گلرخسار بود. وی پیشنهاد برگزاری سالیانه مجمع شاعران پارسی را طرح کرد و خواهان این شد که ایران متقبل این امر گردد و جایزه‌ای برای این امر معین کند.

از دیگر سخنرانان روز سوم گردهمایی پروفیسور گارنیک آساطوریان بود. وی ایران - شناسی در ارمنستان را یکی از رشته‌های اصلی دانشگاهی دانست و اظهار داشت که تاریخ و فرهنگ ایران و ارمنستان چنان به یکدیگر وابسته است که تشخیص آنها از یکدیگر تقریباً مشکل است.

آخرین سخنران از برنامه جلسه سوم گردهمایی، دکتر غلامعلی حداد عادل بود. وی با اشاره به این نکته که ملت‌ها برای آن که بتوانند در طوفانهای بی‌رحم زمانه استوار باقی بمانند، باید هویت خود را در فرهنگ و تاریخ خود جستجو نمایند، در بخشی از سخنان خود در همین راستا گفت: «به همین دلیل است که ما شاهد شور و نشاط و فعالیت در جمهوریهای تازه استقلال یافته از نظر سیاسی اما دیرینه از نظر فرهنگی، هستیم.»

در بعدازظهر سومین روز برگزاری سمینار میزگردی با عنوان ایران شناسی با شرکت خانم تهمنه رستم اوا از آذربایجان، دکتر سرکاراتی از ایران، دکتر بروجردی از ایران، دکتر احمد تفضلی از ایران، پروفیسور بوگالیووف از روسیه، دکتر نصرالله



پورجوادی از ایران و دکتر پاپایان از ارمنستان برگزار شد. چهارمین و آخرین روزگردهمایی با حضور دهها تن از میهمانان خارجی مدعو، استادان دانشگاههای کشور، وزرای خارجه و ارشاد و همچنین معاون اول ریاست جمهوری، آقای دکتر حسن حبیبی برگزار شد.

در این جلسه ابتدا عسکر حکیم شاعر تاجیکستان یکی از سروده‌های خود را برای حاضران قرائت کرد. سپس آقای علی‌اصغر شعردوست، دبیر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ضمن جمع‌بندی دستاوردهای گردهمایی موجودیت انجمن ایران شناسان جمهوری مشترک المنافع و قفقاز را اعلام نمود.



در حاشیه برگزاری برنامه اصلی گردهمایی، بازندهایی از مراکز علمی - فرهنگی کشورمان انجام شد که از زمره آنها می‌توان به بازدید از مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، بازدید از دانشگاه تهران و مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی اشاره کرد.

در ضمن دو کتاب کتاب شناسی خاورشناسان (ایران‌شناسان و اسلام شناسان) کشورهای مشترک المنافع و قفقاز و نگاهی به ایران‌شناسی و ایران‌شناسان کشورهای مشترک المنافع و قفقاز به همت و همکاری انتشارات بین‌المللی الهدی و مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی به مناسبت این گردهمایی و همزمان با برگزاری آن چاپ و منتشر شد.

در ادامه جلسه دکتر علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه، و دکتر حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور، سخنانی را ایراد کردند. آنگاه بیانیه پایانی گردهمایی توسط پروفیسور بوگالیووف قرائت شد.

گفتنی است که در آخرین روز برگزاری اولین گردهمایی استادان ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی کشورهای مشترک المنافع و قفقاز، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی جمعی از ایران شناسان و استادان مدعو رابه حضور پذیرفتند و طی این دیدار رهنمودهای ارزشمندی را درباره زبان و ادبیات فارسی ارائه کردند. رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به برجستگیهای موجود در ادبیات زبان فارسی فرمودند: «آنچه که از حکمت، معرفت و اندیشه والای بشری در دیوانهای شعری زبان فارسی گنجانده شده است، بسیار مهم و قابل توجه است و در این زمینه می‌توان به حکمت، معارف الهی و اندیشه مورد نیاز بشری که در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی موجود است، اشاره کرد.»



گفتگو با آقای آکیموشکین

آقای الک فندرویچ آکیموشکین، خاورشناس و نسخه‌شناس کتب فارسی و محقق در خصوص تصوف در ایران و ترکستان شرقی و قفقاز، در گفتگویی شرکت کرده و به سؤالاتی در خصوص

مقام معظم رهبری قدمت هزار ساله داستان سرایی تاریخی در شاهنامه



ایران‌شناسی پاسخ دادند. آنچه در زیر می‌خوانید متن گفتگوی مذکور است:
 □ گوشه‌هایی از سوابق و فعالیت‌های خود را بیان کنید.

○ من نسخه‌شناس هستم، به نظر من نسخ خطی فارسی با تصویر، تذهیب، تجلید و خوشنویسی یکی از عجایب منحصر بفرد هنری دنیاست؛ عاشق نسخه‌های خطی فارسی هستم و به این منظور از کلیه مراکز علمی و مخازن نسخ خطی فارسی در ایران دیدن و تحقیق کرده‌ام. در زمینه چاپ متون تاریخی و نقد تاریخ هنر مینیاتور سازی در ایران تحقیقات مفصلی داشته‌ام؛ در این موضوع دو کتاب نوشته‌ام؛ در زمینه تصوف مطالعه، تحقیق و تدریس نیز داشته و دارم.

□ نقش تصوف را در تحولات اجتماعی کشورها چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 ○ به اعتقاد من اساس اعتقادی تصوف بر محبت است، و این امر در ساختن انسانها نقش مهمی دارد. تمام نهضت‌های سده‌های میانه ارتباط خیلی قوی با تصوف داشتند و رهبری آنها را مشایخ و بزرگان تصوف عهده‌دار بودند. این نهضت فکری در آسیای صغیر (ترکیه کنونی)، ماوآره قفقاز و آسیای مرکزی جریان داشت و به حمایت از مردم و بر ضد دستگاه‌های ظلم تحولاتی را موجب شد.

□ با توجه به گستردگی و عمق تصوف در تحولات گذشته، آیا امروز امکان ظهور مجدد آن وجود دارد؟

○ بله امروز نهضت تصوف خیلی قوی است و از نفوذ زیادی هم برخوردار است؛ مبارزات مردم چچن وانگوش از مظاهر آشکار این جنبش است. استقامت و پایداری مردم چچن ناشی از عنصر تصوف است که ریشه در تاریخ این کشورها دارد. در مناطق شمالی قزاقستان و قرقیزستان حضور این جنبش محسوس است.

□ انگیزه خود را در باب مطالعه تصوف و تاریخ و هنر ایران بیان فرمایید؟

○ بنده به ایران، هنر ایران و تصوف علاقه

بسیاری دارم و احساس می‌کنم که این رابطه در من تأثیرات فراوانی داشته که قابل بیان نیست و چون در دوران کمونیستی امکان بروز این علائق برای هیچ کس مقدور نبود، بطور خصوصی به تحقیق و مطالعه آن پرداختم. ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اشغال افغانستان توسط شوروی سابق، بخشی به این عنوان از سوی مسکو اختصاص داده شد. زیرا آنها نسبت به شناخت اسلام و نحله‌های فکری آن حساسیت داشتند.

کلیه فرق تصوف، در ابتدا به واسطه حضرت علی، از شیعه نشأت گرفته بود به غیر از یک فرقه آن، ولی به مرور ایام از شیعه دور شد. نفوذ تصوف در ایران سبب شد تا ادبیات مخصوصی در ایران ایجاد شود؛ مثلاً فخرالدین عراقی شاگرد بی‌واسطه مولانا، عطار نیشابوری، جنید بغدادی، عین‌القضات، منصور حلاج، منشأ اثراتی در این رابطه بوده‌اند. تصوف در ایران ابتدا در قالب زبان عربی بود و بعضی از این شعرا به زبان عربی شعر می‌سرودند و در ادبیات ایران نفوذ زیادی داشتند. البته از نظر من حافظ صوفی نیست ولی مولانا یک صوفی است.

نشستی با استاد شکورف

در مدت برپایی سمینار با دکتر شکورف استاد زبان‌شناسی و ادبیات فارسی نیز گفتگوی مختصری داشتیم. دکتر شکورف در پاسخ به این سؤال که آیا اساساً تحول و دگرگونی در زبان فارسی ضروری است یا نه، گفتند: «اگر چه طی ۷۰ سال گذشته در زبان فارسی تاجیکی تحولات منفی رخ داده و به اصل آن تقریباً صدمه وارد شده، اما از بین بردن همه تفاوتها بین زبان فارسی ایرانی، فارسی کابلی و فارسی آسیای میانه ضروری نیست. این تفاوتها رنگهای مختلف زبان فارسی است.»
 □ زبان تاجیکی در محدوده خود دچار چه

تحولاتی شده است؟

○ از نیمه دهه ۳۰ قرن حاضر، در تاجیکستان روشهای بسیار نادرست موجب شد که اصطلاحات تاجیکی به سیاستهای روز خیلی وابسته شود. یکی از جنبه‌های سیاست روز این بود که می‌خواستند در همه جمهوریهای سابق شوروی زبانهای ملی زیر نفوذ زبان روسی تا حد امکان به یکدیگر نزدیک شوند و قرار شد که همه اصطلاحات علمی، فنی و اداری عیناً از زبان روسی گرفته شود. به همین دلیل مقدار زیادی کلمات لاتین، یونانی و روسی به زبان تاجیکی وارد شد که مانع رشد زبان فارسی تاجیکی شد و امکانات داخلی و باطنی فارسی تاجیکی محدود شد.

اگر چه کلمات زیادی به زبان فارسی تاجیکی وارد شد، اما ماهیتاً هیچ رشدی در زبان صورت نگرفت و در عمل از کلمه‌سازی و عبارت‌بندی باز ماند و این امر باعث فقر فارسی تاجیکی شد. حتی به دلیل سطحی‌نگری و اجبار سیاستهای روز چیزهایی می‌گفتیم که از واقعیت علمی دور بود. از جمله می‌گفتیم زبان تاجیکی، زبان مستقلاً است که با زبان فارسی ایرانی و فارسی کابلی متفاوت است. باید بگویم که ما سه زبان نداریم و فقط یک زبان داریم و آن درخت تنومند زبان فارسی است و فارسی ایران و فارسی کابلی و فارسی تاجیکی سه شاخه بزرگ این درخت هستند و اگر هم تفاوتی بین آنها هست قابل قبول و از نظر پژوهشگران زبان فارسی برای شناخت سیر تحولات زبان فارسی بسیار جالب است و من مخالف عقیده کسانی هستم که می‌گویند این تفاوتها و فرقا باید از بین برود و همانطور که گفتم اگر چه در زبان فارسی تاجیکی طی ۷۰ تا ۸۰ سال گذشته خیلی خرابیها به بار آمده که لازم است آباد شوند و به اصل خود برگردانده شوند، اما از بین بردن همه تفاوتها بین زبان فارسی ایرانی، فارسی کابلی و فارسی آسیای میانه ضروری نیست.

□ آقای شکورف، اقتباس واژه از زبانهای

دیگر برای زبان فارسی را جایز می‌دانید؟
○ عقیده من بر این است که هیچ زبانی بدون اقتباس به ویژه اقتباس لغات از زبانهای دیگر نمی‌تواند حیات خود را ادامه دهد. ما به اقتباس از دیگر زبانها احتیاج داریم، خصوصاً در زمان و شرایط فعلی که دگرگونیها، دگرگونی لغوی هم به دنبال دارد. الان ما می‌خواهیم از این راه برگردیم، ما می‌خواهیم اصطلاحات فارسی تاجیکی اصطلاحات ملی باشند؛ اصطلاحاتی برای رشد و پیشرفت. در سالهای اخیر دانشمندان تاجیکستان تلاشهای زیادی کرده‌اند و به دستاوردها و موفقیتهای زیادی دست یافته‌اند و شمار این گونه مسائل زیاد است که باید آنها را با هم بررسی کنیم و به همین دلیل تشکیل کنگره‌ای که امروز در تهران برگزار شده بسیار ضروری و با اهمیت است. ما هر چه بیشتر همفکری داشته باشیم به راه حل‌های بهتری دست خواهیم یافت.

گفتگو با خانم پری گارینا

خانم دکتر پری گارینا عضو انستیتو خاورشناسی مسکو است. آنچه در پی می‌آید متن این گفتگو است:
□ در چه زمینه‌ای از زبان و ادبیات فارسی مشغول تحقیق هستید و تاکنون چه آثاری نوشته‌اید؟

○ من در انستیتو خاورشناسی مسکو درباره ادبیات و زبان فارسی در هند و پاکستان مشغول تحقیق هستم و تاکنون در مورد دکتر اقبال لاهوری دو کتاب در زمینه‌های شعر و مسلمانان نوشته‌ام. یک کتاب هم در مورد میرزا غالب شاعر و عارف قرن نوزدهم هند تالیف کرده‌ام و اکنون درباره سبک هندی کار می‌کنم.

□ وضعیت زبان و ادبیات فارسی را در هند و پاکستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟
○ وضعیت زبان و ادبیات فارسی در هند و



پاکستان خوب است. در نیمی از دانشگاه‌های هندوستان شعبه‌های تدریس زبان فارسی وجود دارد و استادان بسیار برجسته‌ای دارند که در مورد ادبیات قرون ۱۶ و ۱۸ میلادی کتابهای زیادی نوشته‌اند.

□ چگونه به تحقیق در زمینه تمدن و فرهنگ اسلامی و زبان و ادبیات فارسی علاقه‌مند شدید؟

○ علاقه من از کار و تحقیقی که در مورد اقبال کرده‌ام، نشأت گرفته است. آثار اقبال حاوی مطالب عرفانی و معنوی بسیار جالبی است که از قلب او به قلب من راه پیدا کرده است و البته علاقه زیادی به این کار دارم.

□ منابع علمی خود را چگونه تأمین می‌کنید؟

○ ما این منابع را از هر زبانی که بخواهیم می‌توانیم تهیه کنیم.

□ عملکرد خاورشناسان روسی را در بخش ایران شناسی و زبان و ادبیات فارسی چگونه می‌بینید؟

○ تحقیقات ایران شناسی روسیه در زمینه ادبیات معاصر و کهن فعال است. علاوه بر محققان با تجربه روسی، محققان جوان هم در این زمینه فعالیت دارند. البته اوضاع سیاسی فعلی، متأسفانه چندان برای این کار مطلوب نیست.

مردم روسیه از بودائیسیم و هندوئیسم مطالب جالب توجهی می‌خوانند ولی به اسلام توجهی نمی‌کنند. چون بیشتر مردم روسیه مسیحی هستند و همیشه بین آنها و مسلمانان درگیری و جنگ ایدئولوژیک بوده، اکنون که این جنگ تمام شده می‌توان فهمید که تمدن اسلامی چه چیزهایی به وجود آورده است.

□ تحولات اخیر در جمهوری روسیه چه تاثیری بر کار شما داشته است؟

○ مهمترین اثر آن همین است که ما توانستیم به ایران بیایم. ما از صمیم قلب از مسئولان این گردهمایی تشکر می‌کنیم. □ نقش کنگره در توسعه ایران شناسی و

زبان و ادبیات فارسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ هر قطره‌ای که در این زمین بیارد اثرات فراوانی دارد و ما هر چه در توان داریم تلاش می‌کنیم و به این کنگره امید زیادی داریم.

□ چه پیشنهادی برای پربار کردن این نوع کنگره‌ها دارید؟

○ من اولین بار است که در این قبیل برنامه‌ها شرکت می‌کنم و امیدوارم این سنت پایدار بماند و ما بتوانیم نظرات خودمان را در مورد ادبیات فارسی مطرح کنیم.

گفتگو با دکتر کزازی

دکتر میرجلال‌الدین کزازی، استاد ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی، از فرهیختگان برگزیده کشور است. وی یکی از استادان برجسته و نام‌آور زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی است که در زمینه ایران‌شناسی نیز از دانش و آگاهی بسیاری برخوردارند. دکتر میرجلال‌الدین کزازی صاحب آثار و تألیفات گرانقدری در خصوص ادبیات فارسی هستند. ایشان نیز در این گردهمایی حضور رسانیده بودند. آنچه در زیر می‌خوانید شرح گفتگوی مذکور است:

□ لطفاً اندکی درباره ارزش تحقیقات ایران شناسی توضیح بفرمایید.

○ در اینکه ایران‌شناسان در شناساندن فرهنگ ایرانی - چه ایران پیش از اسلام و چه ایران پس از آن - تلاشهای بسیار ارزنده‌ای کرده‌اند، جای شکی نیست. حق این است که ما بخشهایی از تاریخ و فرهنگ ایران را در پرتو تلاشهای این ایران‌شناسان شناخته‌ایم.

باید برآستی هر پژوهش ایران‌شناسی را که در هر گوشه‌ای از جهان انجام می‌گیرد، ارج بنهیم. اما نکته اینجاست که این پژوهشها هر چند با باریک‌بینی و موشکافی



○ سودی که این همایشها می‌تواند داشته باشد، این است که دانشوران ایرانی با ایران شناسان کشورهای دیگر می‌توانند ارتباط برقرار کنند و از یافته‌های خود در قلمرو پهناور ایران شناسی با یکدیگر سخن بگویند. زمینه‌ای برای پیوندهای علمی و فرهنگی در آینده فراهم خواهد شد، به ویژه اینکه در گذشته بسیاری از کشورها که ایران‌شناسان آنها در این برنامه شرکت کرده‌اند، بخشهایی از ایران جدا بوده‌اند و اگر امروز از دید جغرافیایی از ایران جدا شده‌اند، از دید فرهنگی هنوز بخشی از فرهنگ ایران محسوب می‌شوند. بسیاری از ارزشهای فرهنگی ایرانی را هنوز ما در آن کشورها می‌یابیم. بسیاری از این افراد خود را ایرانی می‌دانند و ما می‌توانیم از این امکانات به بهترین شیوه بهره ببریم و این همایشها زمینه این بهره‌وری را فراهم خواهد کرد.

و روشهای سنجیده و درست پژوهشی و علمی انجام می‌گیرد، اما از آنجا که فرهنگ و زبانهای ایرانی، فرهنگ و زبان بومی این ایران شناسان نیست همواره امکان لغزش در این تحقیقات وجود دارد.

□ چه حوزه‌هایی از فرهنگ ایرانی در تحقیقات ایران شناسی مسکوت مانده است.

○ زمینه‌های بسیاری در تاریخ ایران هنوز بدرستی کاویده نشده است؛ بویژه در تاریخ باستانی ایران و در فرهنگ کهن ایران، بسیاری از ارزشهای فرهنگی جهان از آن ما ایرانیان بوده است تا آنجا که دانشوران باختر زمین هم ناچار شده‌اند این ارزشها را بپذیرند. برای نمونه اثر شگرف جهان‌بینی ایرانی بر اندیشه‌های افلاطون اثری است که پاره‌ای از ایران شناسان غرب هم ناچار شده‌اند به آن اعتراف کنند.

این یکی از زمینه‌هایی است که ما هنوز آن را بدرستی نکاویده‌ایم. بهره ایران و فرهنگ ایرانی، ارزشها و اندیشه‌های ایرانی در فرهنگ جهان آن طور که باید شناخته نشده است و یکی از راههایی که ما می‌توانیم به یاری آن دیگر بار خود را بشناسیم و از خودباختگی فرهنگی - که گاهی به آن دچاریم - نجات یابیم، شناخت ارزشهای فرهنگ ایرانی است که باید نخست خود به آن باور داشته باشیم سپس به دیگران بشناسانیم. در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، هنوز بخشهای بکری وجود دارد که در باب آنها کار نشده است.

آنچه ما بیشتر می‌توانیم در پژوهشهای ایران شناسی از ایران شناسان بیاموزیم، روشهای علمی و سنجیده پژوهش است که آنان به کار می‌گیرند. اگر ما این روشها را در فرهنگ خودمان به کار ببریم، بی‌گمان دستاوردهایی به دست خواهیم آورد که از نظر چندی و چونی با آنچه آنها یافته‌اند تفاوت بسیار خواهد داشت.

□ این کنگره چگونه می‌تواند در زمینه‌هایی که کاوش نشده مفید باشد؟